

## دوست داشتن یکدیگر در سیره امام رضا علیه السلام

سخنران: حجت الاسلام والمسلمین مدنی

أَعُوذُ بِاللَّهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أُثْنِي عَلَى اللَّهِ أَحْسَنَ الثَّنَاءِ وَأَحْمَدَ عَلَى السَّرَاءِ وَالضَّرَاءِ حَمْدًا كَمَا هُوَ أَهْلُهُ.

نَحْمَدُهُ وَنَسْتَعِينُهُ وَنَسْتَغْفِرُهُ وَنَسْتَهْدِيهِ وَنُصَلِّي وَنُسَلِّمُ عَلَى سَيِّدِ الْأَنْبِيَاءِ وَأَفْضَلِ الْمُرْسَلِينَ حَيِّبِ إِلَهِ الْعَالَمِينَ أَبَا الْقَاسِمِ الْمُصْطَفَى مُحَمَّدٍ، وَعَلَى أَهْلِيَّتِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْمُعْصُومِينَ الْمَظْلُومِينَ الْمُكْرَمِينَ لَا سِيَّمَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا الْإِمَامَ الرَّئُوفَ عَلِيَّ بْنَ مُوسَى الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ وَاللَّعْنَةُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ.

وَيُؤَثِّرُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَكَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ؛ (حشر: ۹)

خدای مهربان توفیق بهترین بهره برداری از این جلسات را به بهترین وجه به همه ما مرحمت فرماید به برکت صلوات بر محمد و آل محمد.

### مقدمه

در محضر شما عزیزان زائران ارجمند و بزرگوار حضرت ثامن الائمه بحثی را در این چند شب شروع کردیم تحت عنوان ده اصل زندگی با استفاده از سیره گفتاری و رفتاری حضرت آقا و مولامون علی بن موسی الرضا علیه السلام ان شاء الله سوغات معنوی همه ما از این سفر ارجمند باشه هر شب یک اصل را بیان می کنیم و آنچه که امشب به محضرتون تقدیم می شود این است که در زندگی یکدیگر را دوست داشته باشید این اصلی است که اگر عمل کردیم جان و روح و روان خود ما اولین بهره را می برد آرامش روحی و روانی پیدا می کنیم.

دوم جامعه ما اصلاح می شود سوم آخرت ما سعادت مند می شود ان شاء الله به خواست خداوند متعال در ادامه مباحث به جنبه های مختلف این اصل اشاره خواهد شد برادران عزیز خواهان محترم و گرامی به عنوان مقدمه عرض می کنم در این دنیا برای تشخیص خوب و بد و ارزیابی اشیاء هر چیزی متناسب خودش یک معیاری داره شما الان نمی دونم شغلتون چیه اما در هر شغلی هستید هر کدومتون تخصصی که دارید برای تشخیص خوب و بد ارزیابی آن جنسی که باهش سروکار دارید یک معیارها و ملاک هایی دارید به عنوان مثال اگر شما به طلافروشی برید معیار طلا و ارزش طلاعیارشه وزن به اضافه عیار یعنی چه خب شماها از من بهتر می دونید طلا طلای خالص خیلی نرمه قابل

استفاده نیست برای اینکه از این حالت نرمی و شکنندگی در بیاد طلا را با یک چیز دیگر باید قاطی کنند معمولاً با مس قاطی می کنند بعد این طلایی که با مس قاطی شده برای اینکه بگن چقدرش طلاست اینو اسمشو میذارن عیار میگن طلا هفده عیار هجده عیار بیست و یک عیار بیست و چهار عیار هر چه عیار بالاتر یعنی تلاش خالص تر اس ارزشش بیشتر پس معیار طلای خوب و طلای بد ارزیابی طلا عیاره معیار ارزیابی ماشین چیه چه ماشینی خوبه چه ماشینی ارزشمنده چه ماشینی کم ارزشه خب باز متخصصین معیارهایی دارند به عنوان مثال چند اسب بخار قوه و قدرت داره شتابش در دقیقه چقدر است امنیتش در حوادث چقدره این معیارهایی است که ارزش ماشین رو میگن فرشی که زیرپای شماست چقدر ارزش داره خوبه یا بد این مثال های مقدماتی منو بگیرید تا برسم به اصل مطلب.

این فرش اول ماده اش چیه پشمه گر که پلاستیکه ابریشمه نقشه اش چیه بافتش چه جوریه چند گرهه چند شانته است اینا معیارهای فرش خوب و فرش بد درست معیار ارزیابی طلا عیار معیار ارزیابی ماشین مثلاً قدرت اسب بخار چند اسب بخار قدرت دارد معیار فرش نقشه و ماده و امثال ذلک سؤال معیار ارزیابی انسانیت ما چیه؟ می خواهیم بینیم کی انسان تر هست همه انسان ها یکجور نیستند دیگه برای اینکه ارزش یک انسانی را معین کنیم معیار اینکه کی انسان تر هست کی از انسانیت بهره بیشتری برده کی از انسانیت فقط ظاهرش را دارد گوش و چشم و دست و پا این معیارش چیه این یک بحث بسیار مفصل و بسیار ارزشمند و تأثیرگذاری هم هست قطعاً یکی از معیارهای انسانیت که ما چقدر انسان هستیم یک معیارش اینه چقدر به فکر دیگران هستیم اصطلاحاً میگن دگردوستی دگردوستی این معیار انسانیت است چطور توضیح میدم پس تا اینجا یادتون باشه قدم به قدم با هم بریم جلو عرض کردم هر چیزی معیار متناسب با خودش داره انسانیت هم معیار داره ملامک داره یکی از معیارها و ملاک های انسان انسانیت انسان دگردوستی است چقدر دیگران را دوست داریم دقت کنید.

### • حب نفس

توضیح این مطلب، خدای متعال در وجود همه موجودات زنده حب نفس را قرار داده همه امون خودمون را دوست داریم از اون بچه تازه به دنیا آمده شما پستونکی که عادتش دادید به پستونک می خواهید پستونکش رو بگیرید دادش در میاد پستونک منه به زبان حال داره به شما میگه به حقوق من تجاوز نکن این مال منه دوست دارم حتی حیوانات

خدای متعال حب ذات درشون قرار داده خودشونو دوست دارند از منافع خودشون دفاع می کنند از بچه خودشون دفاع می کنند از خانه خودشون دفاع می کنند خطری متوجه بشه برای دفاع از خودش حاضرند حب ذات دوست داشتن خود در واقع در همه حیوانات است چپ مارو از چپ انسان را از سایر حیوانات جدا می کنه اون چیزی که ما را از سایر حیوانات جدا می کند اینکه انسان یک سطحی از رشد کمال داره که تنها از خودش دفاع نمی کنه تنها از زن خودم بچه خودم دفاع نمی کنه از کسانی که هیچ ارتباطی هم با او ندارند هیچ قوم و خویشی هم با او ندارند برای اونها هم دل می سوزونه برای اونها هم تلاش می کنه از اونها هم دفاع می کنه هر چه بالاتر رفت بیشتر هر چه رشد و کمال بیشتری پیدا کردی محبتتون به دیگران بیشتر خواهد شد بیاید توی روایات ما غوغایی است در این مسئله رسیدگی به دیگران درد و دل دیگران را برطرف کردن مشکل دیگران را برطرف کردن کم میگیریم ما امروز جامعه امون می دانیم گرفتاری های مختلف داره ضرورت داره برادرها و خواهرها همیشه اینجوریه امروز بیشتر دست همدیگه رو بگیریم گاهی بعضی از صحنه ها را انسان می بیند قلب انسان به درد میاد مناسب یک ملت مسلمان یک ملت شیعه نیست بعضی از صحنه ها دم در که می رسیم هی به هم تعارف می کنیم شما بفرما شما بفرما اما همین که سوار ماشینمون شدیم توی چهار راه می خواهیم رد بشیم یکجوری رفتار می کنیم مثل اینکه با هم دشمنی داریم.

گاهی آدم می بینه من در تهران بچه های من خانواده من سوار ماشین بودیم داشتیم می رفتیم دو تا ماشین جلوی ما تصادف کردند گفتم ماشینه دیگه تصادف می کنه یکدفعه دیدم اون راننده جلوی پیاده شد از زیر صندلی یک قمه کشید چه خبره چی شده اینجا کجاست اگه اینو واقعاً فیلم برداری کنند نمایش بدنند توی پایتخت کشور شیعه این رفتار این برخورد چرا با دعوا حل کنی چپ میخوان ائمه از ما خدا می داند اگر با این روایات آشنا بشیم از بعضی از رفتارها مون شرمنده میشیم اگر خود ماها هر کسی تو فامیل خودش تلاش کنه اونجایی که میتونه گره از کار دیگران باز کنه بسیاری از مشکلات برطرف میشه بسیاری از مشکلات برطرف میشه

### • ثواب باز کردن گره کار مومن

آمد خدمت امام صادق علیه السلام عرض کرد آقا میخوام برم حج خوب گوش کنید حضرت فرمود حاجی که برای حج حرکت می کند هر قدمی که برمی دارد خداوند متعال ده گناهشو پاک می کند ده حسنه بهش میده ده درجه درجه او را بالا می بره ایشون تعجب کرد چه خبره هر قدم باز حضرت شروع کرد به گفتن ثواب های حج تعجب این

آقا بیشتر شد امام صادق علیه السلام فرمود میخوای برات بگم یک عملی را که ثواب حج داره گفت بله آقا مگه کار دیگه هم هست اینقدر ثواب داشته باشه فرمود کاری را بهت میگم که ثواب دو تا حج داره تعجبش بیشتر شد دو حج فرمود کاری را بهت یاد میدم که ثواب سه حج داره آقا سه حج حضرت عمداً از اول نگفت هی کم کم تا خوب عطشش زیاد بشه گوش هامون چرت مون پاره بشه متوجه بشیم چی میخواد بگه امام چه خبره نشونیم و رد بشیم آقا ثواب سه حج فرمود ثواب چهار حج آقا ثواب چهار حج فرمود این عملی که میگم ثواب پنج حج ثواب پنج حج فرمود ثواب شش حج ثواب هفت حج ثواب هشت تا حج ثواب نه تا حج **حتی عشره**؛ تا اینکه حضرت ده تا را شمرد فرمود ثواب ده تا حج را خداوند متعال به این عمل میده یابن الرسول الله این چه عملی است فرمود باز کردن گره از کار یک مؤمن باز کردن گره از کار یک مؤمن حالا کدوم گره برادر شما با خانمش دعوایی است اختلاف پیدا کردند شما یک شام دعوتش کن با نصیحت با ارادت با محبت با خیرخواهی این گره را وا کن این شام شما ثواب ده تا حج دارد این دختر خانم میخواد بره به خانه بخت یک مشکل اقتصادی داره یک وسیله ای میخواد شما هم دستت باز هست اینم گیره این گره را وا کن ثواب ده تا حج داره این حرف بنده نیست این فرمایش امام صادق علیه السلام هست چقدر خدا ارزون می فروشه چقدر راحت میشه دل به دست آورد آقا و مولامون حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام که به زیارتشون آمدم می فرماید: **مَنْ فَرَجَ عَنْ مُؤْمِنٍ فَرَجَ اللَّهُ عَنْ قَلْبِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ**؛ (تهذیب الأحکام: ج ۲، ص ۲۴۲) این هم با تعبیر فرج میشه خوند هم فرح میشه خوند چون در کلمات قدیم نقطه نبوده هر دوش درسته معنا هم مناسبه متناسب با هم هر کس برادرها و خواهرها این به روایت امام رضا علیه السلام نقل از امام رضا مسند الرضا علیه السلام هر کس اندوهی را از قلب مؤمن برطرف کنه خداوند متعال روز قیامت اندوه را از قلب او برطرف خواهد کرد.

برادران عزیز خواهان محترم آن روز قیامتی که فرمود **يَوْمًا يَجْعَلُ الْوِلْدَانَ شِيبًا**؛ (مزمل: ۱۷) آنقدر غصه زیاده که بچه ها در آن روز پیر می شوند آن روزی که فرمود: **وَتَضَعُ كُلُّ ذَاتِ حَمَلٍ حَمْلَهَا**؛ هر خانم و هر موجود حامله ای از ترس آن روز بچه اشو به دنیا میاره اون روزی که قرآن می فرماید: **إِنَّ زُلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيمٌ يَوْمَ تَرَوُنَّهَا تُذْهِلُ كُلَّ مَرْضِعٍ عَمَّا أَرْضَعَتْ وَتَضَعُ كُلُّ ذَاتِ حَمَلٍ حَمْلَهَا وَتَرَى النَّاسَ سُكَارَى وَمَا هُمْ بِسُكَارَى وَلَكِنَّ عَذَابَ اللَّهِ شَدِيدٌ**؛ (حج: ۱-۲) می بینی مردم مست اند ولی اینا مست نیستند عذاب خدا شدید از شدت عذاب مثل انسان های مست اند چه کنیم که اون روز قلبمون اندوهگین

نباشه آقا و مولامون امام رضا علیه السلام می فرماید: اندوه دل یک مؤمنی را برطرف کن این سخن اهلیتیه عملشون چطور سیره اشون چطور یکی از عباسی ها هست می دونید عباسی ها از دشمنان اهل بیت بودند دیگه عمداً اینجوری بوده اما این آقا با اینکه از عباسی ها هست نسبت به امام صادق علیه السلام یک نوشته ای داره من اینو براتون بخونم میگه: **وَ كَانَ الرضا عليه السلام كَثِيرَ الْمَعْرُوفِ وَالصَّدَقَةِ فِي السِّرِّ وَ أَكْثَرَ ذَلِكَ يَكُونُ مِنْهُ فِي اللَّيَالِي الْمُظْلِمَةِ فَمَنْ زَعَمَ أَنَّهُ رَأَى مِثْلَهُ فِي فَضْلِهِ فَلَا تُصَدِّقْ؛** حضرت امام این زندگی امام رضا حضرت امام رضا بسیار صدقه می داد بسیار در حق دیگران نیکی می کرد **وَ أَكْثَرَ ذَلِكَ يَكُونُ مِنْهُ فِي اللَّيَالِي الْمُظْلِمَةِ؛** اکثر این صدقات و هدایا و نیکی هایی که حضرت انجام می داد در شب های تاریک بود در دل شبی که همه خوابند آقای ما مولای ما حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام می رفت سراغ گرفتارا گرفتاریشون را برطرف می کرد این عباسی میگه **فَمَنْ زَعَمَ أَنَّهُ رَأَى مِثْلَهُ فِي فَضْلِهِ فَلَا تُصَدِّقْ؛** اگر کسی بگه من مثل امام رضا را دیدم در این دستگیری از بیچاره ها در این رسیدگی به مردم مثل امام رضا را کسی گفت من دیدم بدونید دروغ میگه تصدیقش نکنید امام رضا علیه السلام بی مثل و مانده فدای حضرت بشم حضرت در خراسان اون همه گرفتاری هایی که برای حضرت درست کردند.

### • نامه امام رضا به فرزندش امام جواد علیه السلام

شما می دونید آقا و مولاتون امام رضا در یک مدتی در خراسان در زندان بوده مثل پدر بزرگوارش حضرت موسی بن جعفر در سرخس حضرت امام رضا زندان بوده هم ولیعهد بود هم زندانی گرفتاری های بسیار مختلف اما خوب گوش کنید یاد بگیریم تربیت اولاد را مادرها پدرها به امام رضا خبر رسید آقا زاده اشون حضرت جواد الائمه اون روز سه چهار پنج ساله بودند خبری رسید حضرت نامه ای نوشت به فرزندشون حضرت جواد الائمه شنیدم شما را که وقتی میخوام از خانه بیرون برنم خانۀ امام رضا دو تا در داشت از اون در کوچک می برنم بیرون که دست مردم به شما نرسد و دست نیازمندان به شما نرسد به خدمتکارها بگید به حق من بر شما به حقی که به گردن شما دارم از در کوچک نروید از در بزرگ برید برید جایی که دست نیازمندا و بیچاره ها به دست شما برسه پسرم کمتر از پنجاه دینار به عموهات کمک نکنی به عمه هات کمتر از بیست و پنج دینار کمک نکنی من امیدوارم به واسطه این صدقات و دستگیری از گرفتارا خدا بر مقام تو بیفزاید الله اکبر جواد الائمه است مقام امامت داره باز حضرت می فرماید امیدوارم به

واسطه دستگیری از این فقرا و گرفتار خدا بر مقام تو بیفزاید اینم سیره ائمه سیره مولا امیرالمؤمنین که دیگه اونقدر گفته شده که نیاز نداره من عرض کنم سیره امام رضا علیه السلام سیره امام سجاد علیه السلام سیره امام حسین علیه السلام همه اشون اینجوری بودند حضرت موسی بن جعفر علیه السلام یک بخش سومی هم بگم برم سراغ بخش دوم عرائضم.

### • معیار انسانیت

پس عرض کردم تا اینجا الان چی عرض کردم رشته بحث تو دستتون باشه عرض کردم اصل مورد بحث امشب ما یکدیگر را دوست بداریم گفتم هر چیزی معیاری برای ارزیابی معیار انسانیت من و شما چیه اگر همش به فکر خودمونیم خودم زخم بچه ام خانه ام ماشینم خودم من من این مثل حیوانات دیگه مشترکیم همه حیوانات اینجوری دارند همه حیوانات از بچه اشون دفاع می کنند همه حیوانات از خانه اشون دفاع می کنند فرقی بین من و اونها نیست فرق کجاست اونجا که از لاک خودم بیرون آمدم بالاتر آمدم شدم عاشق مردم دستگیر مردم بیگانه گفتم روایات ما در این جهت عجیبه سخنشون دو تا روایت براتون خوندم سیره اشون دو تا روایت براتون خوندم حالا دو تا روایت هم می خونم اگر تونستیم و دستگیری نکردیم چی میشه به خصوص اونایی که مسئولیتی دارند پشت میزی نشستند آگه می تونند و نکنند می تونند دستگیری بکنند دستگیری نکنند می تونند گرهی وا کنند نکنند وظیفه دارند وظیفه اشون رو عمل نکنند این دو روایت هم گوش بدید حضرت امام صادق در جمعی نشسته بودند جمعیت زیاده حضرت فرمود چه می شود که بعضی از شما مائمه ما را خوار می کنید ما را ذلیل می کنید خب آگه من و شما هم باشیم خیلی تعجب می کنیم آقا کی شما را ذلیل کرده کی شما را خوار کرده یه مرد همشهری منو شماها خراسانی اون خراسان بزرگ میگن خراسانی دیگه در روایت داره خراسانی مایه خجالت منو شما یک مرد خراسانی پا شد گفت یا بن الرسول الله کسی شما را خوار کرده کسی شما را ذلیل کرده فرمود تو یکی از اونها هستی که مارو خوار کردی مارو ذلیل کردی حواستون جمع هست خوب حواستون جمع هست باید هم جمع باشه تو خانه امام رضا نشستنی صحبت امام صادق هست فرمود چرا بعضی از شما ما را ذلیل و خوار می کنی خراسانی پا شد گفت آقا کی شما را ذلیل کرده کی جرأت می کنه شما را خوار کنه فرمود تو خودت یکی از اون ها هستی که مارو خوار کردی مارو ذلیل کردی عرض کرد آقا کجا فرمود از جُحفه که می آمدی اونایی که رفتند حج و جحفه

مُحْرَم شدند فرمود از جحفه که می آمدی بین راه رسیدی یک بنده خدایی پیاده داشت می رفت صدا زد گفت فلانی نمی توئم دیگه پیاده برم دیگه پام کشش نداره یک کمی منو سوار کن تو می تونستی سوارش کنی اعتنا نکردی سرتو انداختی پایین رد شدی او را خفیف شمردی و ذلیل کردی تو مارو خوار کردی ما را تخفیف دادی برادرها گوینده به شنونده همه امون امشب یه کم فکر کنیم به این روایت به خدا پناه می بریم از اینکه امام رضا علیه السلام را ذلیل کنیم به خدا پناه می بریم از اینکه امام صادق را ذلیل کنیم فرمود اگر برادر مؤمنت نیاز داشت تو بی اعتنایی کردی آدم حسابش نکردی رد شدی تو اونو تخفیف ندادی مارو تخفیف دادی تو اونو ذلیلش نکردی خفیفش نکردی خوارش نکردی مارو خوار کردی روایت دوم می فرماید: **أَيُّمَا مُؤْمِنٍ مَنَعَ مُؤْمِنًا شَيْئًا يَحْتَاجُ إِلَيْهِ وَهُوَ يَقْدِرُ عَلَيْهِ؛** هر مؤمنی که جلوگیری کنه از نفع مؤمن دیگری می تونست نفعی به او برساند حالا یا از خودش یا از دیگران می توانست مشکلش را برطرف کنه نکرد منع کرد جلوگیری کرد خیرش به اون مؤمن نرسید چی میشه خدا می دونه اینکه نمیگم برای اینکه می ترسم خدا همه امون را حفظ کنه خدا خودش نگه داره مسئله سنگینه تعارف نیست.

### • عذاب کسی که مانع حل مشکل مومنی شود

حالا من بگم و شما هم بشنوید و هر دمون بریم فرمود: هر مؤمنی که نیاز داره به مؤمن دیگر مراجعه کنه اون میتونه مشکلش را حل کنه یا از خودش حل کنه یا از دیگران بتونه اما حل نکرد و منعش کرد خدای متعال روز قیامت او را در قیامت محشور می کنه **مُسْوَدًا وَجَهَّةً؛** در حالی که صورتش سیاهه **مُزْرَقَةً عَيْنَاهُ مَغْلُوكَةً يَدَاهُ إِلَىٰ عُنُقِهِ؛** (شریف الرضی، محمد بن حسین، «المجازات النبویه»، قم، چاپ اول، ۱۴۲۲ ه.ق.، ۱۳۸۰ ه.ش. ص ۲۷۲؛ پاینده، ابو القاسم، «نهج الفصاحه» (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول (ص))، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۸۲ ه.ش. ص ۷۰۵) **(أَيُّمَا مُؤْمِنٍ مَنَعَ مُؤْمِنًا شَيْئًا مِمَّا يَحْتَاجُ إِلَيْهِ وَهُوَ يَقْدِرُ عَلَيْهِ مِنْ عِنْدِهِ أَوْ مِنْ عِنْدِ غَيْرِهِ أَقَامَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مُسْوَدًا وَجَهَّةً مُزْرَقَةً عَيْنَاهُ مَغْلُوكَةً يَدَاهُ إِلَىٰ عُنُقِهِ فَيَقَالُ هَذَا الْخَائِنُ الَّذِي خَانَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ)**

دستاشو با زنجیر به گردنش بستن خطاب میشه در اون محضر اولین و آخرین در محشر **هَذَا الْخَائِنُ الَّذِي خَانَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ؛** این کسی است که به خدا و پیغمبر خیانت کرده **ثُمَّ يَأْمُرُ بِهِ إِلَى النَّارِ؛** سپس دستور داده میشه ببریدش به جهنم به حضرت عباس قسم کسی میتونه این روایت را باور داشته باشد بعد در اتاقشو ببندد بی خودی الکی بگه جلسه است مردم گرفتار باشند پشت در خانه اش میشه میشه این روایت را بشنویم و باور داشته باشیم

تو خانواده اتون دو نفر با هم قهرند شما نرید سراغشون مشکلتشون را حل نکنید میشه میشه ما این روایت را بشنویم توی فامیلمون فقیره می تونیم چهار نفر دور هم بنشینیم یک قرض الحسنه ای بدیم که ثوابش هجده برابر صدقه است این کارش حالا راه بیفته من درباره این اصلی که باید به همدیگه محبت کنیم دست همدیگه را بگیریم به اندازه فرصتی که کوتاهی که دارم سه تا درس را عرض می کنم و دعائون می کنم شما هم کمک کنید با یک صلوات بر محمد و آل محمد درس اول در بحث این اصل به همدیگه کمک کنیم همدیگه را دوست داشته باشیم یک برادر خواهر کمک به دیگران امتحان من و شماست خدا می تونست بدون اینکه به من نیاز داشته باشه به شما نیاز داشته باشه مشکل او را حل کنه می تونست یا نمی تونست خدا میتونه همه فقرا را مشکلاتشون را حل کنه یا نه میتونه چرا فرستاده در خانه من و شما چون دنیا محل امتحانه هم او باید امتحان بشه هم من باید امتحان بشم حل مشکل مهم نیست مهم اینکه من و شما امتحانم میشیم چقدر انسانیم اونوقتی که کسی در خانه امون میاد چه کاره ایم اونوقتی که قلمی دستمون هست مقامی دستمون هست چه جور عمل می کنیم منو شما امتحان میشیم ممکنه زود جای آدما عوض بشه آ.

از نسیمی دفتر ایام برهم می خورد      از ورق گردانی لیل و نهار اندیشه کن

### • کمک به مستمندان

یک قصه ای هست میگه خانمی دو تا شوهر کرد شوهر اولش طلاقش داد رفت یک شوهر دیگه ای کرد این خانم این قصه را نقل می کنه میگه با شوهر اولم مرغ بریانی درست کرده بودیم آمدیم سر سفره نهار بخوریم در خانه را زدند من رفتم دم در دیدم یک فقیریه آدم گرفتاریه این بوی مثلاً غذا بلند شده بوده چطور شده آمد در زد برگشتم شوهرم گفت کیه گفتم فقیر بود غذا می خواست شوهر عصبانی از سر سفره بلند شد رفت دم در با چهار تا فحش و بی ادبی طرف را رد کرد خجالت نمی کشی حالا سر ظهر آمدی در خانه در می زنی ما هم زندگی داریم فقیر بنده خدا گریان رفت رفت ما نشستیم مرغمان را خوردیم گذشت اوضاع روزگار برای هیچ کس همیش ردیف نیست میگه اوضاع شوهر ما بهم خورد و بالأخره کار ما هم به جدایی کشید اونم افتاد توی یک فقر سنگینی گذشت دیگه ما از هم جدا شدیم نه او از من خبر داره نه من از او خبر دارم اونم گذشت مدتی گذشت کسی آمد خواستگاری ما یک مردی خانمش از دنیا رفته مسن هست هم سن و سال ماست آمد از ما خواستگاری کرد ما هم جواب دادیم رفتیم توی خانه شوهر دوم تو خانه شوهر دوم یک روز غذا درست کرده بودیم داشتیم نهار می



خوردیم کسی در زد رفتم دم در دیدم فقیره برگشتم گفت کی بود گفتم فقیره گفت از این غذاها بیر از این غذاها بهش بده ظرفی برداشتم از این غذاها جدا کردم بردم دم در به این فقیر دادم و برگشتم برگشتم اشکام می آمد همینطور اشک می ریختم گریه می کردم شوهرم گفت چیه چرا گریه می کنی گفتم هیچی اصرار کرد گفت چرا گریه می کنی چی شده گفتم راستش اینکه فقیری که دم در بود شوهر اولم بود مدت هاست ما هم را ندیدیم اوضاعش بهم خورده ما ندیدیم همدیگه رو حالا دیدم اینجور شده دیگه روزگار اینو به فقیری کشونده حالا بردم غذا و دیدم گرسنه است خب ناراحت شدم اشکم این شوهر دومیه گفت والله حالا که گفتی من بهت بگم والله من اون فقیری ام که آمدم در خانه اتون شوهرت آمد فحش داد منو از در بیرون کرد میشه شما هم فکر کنید از این نمونه ها تو زندگی ها هست آقای می گفت یادم نمیره که در زلزله ای یکی از شهرها اسم اون شهر را نمی برم شبش آدمی بود که سلام می کردی جواب نمی داد بس غرور داشت با یک زلزله صبحش دیدم دنبال ماشین کمک های مردمی می دود داد می زند به من دو تان نون بدید من دو تا زن دارم

#### از نسیمی دفتر ایام برهم می خورد از ورق گردانی لیل و نهار اندیشه کن

برادران عزیز خواهران محترم گرفتاری دیگران را سرمان را نندازیم پایین رد بشیم ممکنه برای ما هم پیش بیاد اوضاع همینه خدا امتحان میخواد بکنه یک روز اون رئیسه یک روز این رئیسه یک روزی این گرفتاره یک روزی اون گرفتاره فاصله بین میز ریاست تا تخت تخت عمل بیمارستان چقدره تا تخته غسلخون چقدره این یک پس نیاز دیگران به ما امتحان من و شماست فکر نکنی من خیلی آدم مهمی ام حالا اینا از من درخواست کردند نه خدا میخواد تو را امتحان کنه بینه چقدر انسانی یک کسی یک مدتی رئیس بود بعد عزل شده بود یک وقتی یک کار جزئی داشت به یک کسی گفت اونم اعتنا نکرد رفت من کنار این ایستاده بودم من بچه بودم این مثل اینکه مارو مثلاً حساب نمی کرد با خودش همینطور حرف می زد گفت وقتی که رئیس بودیم به هیچ کس رحم نکردیم که حالا رومون بشه به کسی بگیم چیزی گفت وقتی رئیس بودیم به هیچ کس رحم نکردیم که حالا رومون بشه به کسی چیزی بگیم رو بزیم اینجوره درس دوم مهمه در رابطه با این اصل برادرها و خواهرها کمک رفع مشکل حل مشکل از همه خوبه حتی از حیوان این درس دینی ماست این درس معارف ماست خیلی عجیبه اگر من این بخش را میخوام بگم خیلی طولانی میشه فقط در حد یکی دو اشاره عرض می کنم روایت داریم روایت داریم که کسی در مسیری عبور می کرد دید یه سگی کنار چاه آب ایستاده چون چاه عمیقه

سگ نمیتونه بده پایین می فهمه که اگه بره پایین گیر می کنه از اون طرف تشنه است زبونشو هی حیوان در میاره از تشنگی و نمیتونه برسه به آب کفششو در آورد تو روایت کفش داره سعدی اینو شعرش کرده میگه:

کفشش را در آورد عمامه و مندیلش هم وا کرد بست به این کفش اینو فرستاد توی این چاه آب کشید به این سگ آب داد به پیامبری خطاب شد برو به این آقا بگو خدا به واسطه آب دادن به سگی همه گناها تو بخشید این خدای مهربان ای خدای مهربان چقدر خدای مهربانی داریم چه ارزون می فروشه بهشتش را بخریم.

### • کمک به کافر

به کافر اگر کمک کنی گم نمیشه همراه امام صادق علیه السلام میگه داشتیم می آمدیم دیدم امام صادق از جاده جدا شد گفتم آقا کجا رفتیم بریم رفتیم یک مقدار رفتیم دیدم یک کسی اون وسط افتاده در حال بی هوشی و در آستانه مرگ حضرت آب همراهشون بود آب بهش دادند به حالش آوردند اصلاً زنده شد یا شد به امام صادق بعد که داشتیم برمی گشتیم گفتم متوجه شدید آقا این معلوم میشه معرفتش کم بوده فکر می کرد آقا امام صادق متوجه نشده فرمود بله مسیحی بود گفتم آقا شما به کافر آب دادید زنده اش کردید فرمود: قرآن می فرماید: **لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَ لَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَ تُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ**؛ (ممتحنه: ۸) خدا نهی نمی کنه به شما بگه به کافری که با شما جنگ نداره با شما دعوا نداره بهش کمک کنید نه خدا آدمای نیکوکار را دوست داره بله دو نکته یادتون نره دشمن خدا را همیشه کمک کرد دشمنی که با دین خدا می جنگه اسرائیل که مثلاً الان کمر به قتل مسلمان ها و اسلام بسته اینو همیشه کمک کرد اون جداست عدو الله همیشه محبت داشته باشیم اما حالا کافری است که جنگ نداره یا غیر شیعیه است امام صادق کوتاه عرض می کنم که فرصت هم کم هست معل بن خنيس میگه شب باران می آمد در اون شب بارانی از خانه بیرون آمدم دیدم یک آقای یکی کیسه سنگینی به دوش می کشه داره میره اتفاقاً این کیسه تهش در رفت و هر چی توش بود ریخت من رفتم کمکش کنم جلو رفتم دیدم آقا امام صادق علیه السلام هست دیدم اینم که ریخته نونه کمک کردم اون نون هایی که تمیز مونده بود جای تمیز بود اینارو جمعش کردیم و توی کیسه دوباره خواستم من به دوش بگیرم آقا بدید من بیارم فرمود: نه خودم میخوام بیارم همراه حضرت راه افتادیم رفتیم توی مفصله بنی ساعده یک سایبان بود کارتن خوابا اونجا بودند کارتن خواب الان شما میگرد کارتن خواب خانه نداشتند زیر یک سقفی تو مفصله بنی ساعده حضرت خم

شد با مهربانی زیر سر هر کدومشون یکی دو تا نون گذاشت همینطور که خواب بودند گفتم فدات بشم آقا جان اینا قائل به ولایت شما نیستند آ شما را به امامت قبول ندارند فرمود اگر اینا ولایت ما را قبول داشتند لساویناهم بدوقه؛ دو جور خونده شده این روایت اگه اینا شیعه بودند که ما باید به دقت اصلاً به تساوی باهاشون برخورد می کردیم باید مالا مون هم می دادیم بهشون همین هایی که ما را قبول ندارند اینجور کمکشون می کنیم پس این هم درس دوم برادرها و خواهرها به هر کس کمک کنید حتی به حیوان در پیشگاه خدا گم همیشه البته عرض کردم به دشمن خدا همیشه کمک کرد کسی که با خدا می جنگه و اولویت هم معلومه حالا ما مؤمنی را کمک کنیم یا فاسقی را اولویت با مؤمن است این هم نکته دیگر و اجازه بدید من همین جا عرضمو تمام کنم و دعوتون کنم.

### • معیار انسانیت کمک به دیگران است

البته بحث دیگری هم داشتم که دیگه احساس می کنم می گذره آنچه که عرض کردم در یک دقیقه خلاصه کنم دسته بندیش کنید تو ذهن مبارکتان بسپرید ان شاء الله به دیگران هم بگین عرض کردیم اصل ششم یا هفتمه فکر می کنم دیگران را دوست بداریم و به دیگران کمک کنیم این اصلیه که باید توی زندگی من و شما پیاده بشه گفتیم معیار انسانیت کمک به دیگران است دوست داشتن دیگران به هر اندازه ای که می تونیم به هر اندازه ای که در اختیارمان هست روایات ما مفصل میگه بایدی کمک بکنید سیره اهل بیت اینه اگر هم نکردیم اون روایات یادتون نره فرمود روز قیامت میارند دستهاشو غل زده صورتش هم سیاه بهش میگن **هَذَا الْخَائِنُ الْأَذِي خَانَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ**؛ عرض کردیم یک فراموش نکنیم که این نیاز دیگران به ما اینکه در اتاق من آمدند پشت میر من جمع شدند من می تونم مشکلشون را حل کنم این امتحان ماست مواظب باشیم ورق برنگرده دوم عرض کردیم خیررسانی به همه خوبه حتی حیوان بحث سومی هم داشتم که از هر کسی به اندازه توانش اونو دیگه فرصت نشد که بیان کنیم فقط اشاره می کنم به هر کسی به اندازه توانش از اون کسی که میتونه یک جوان را سر کار بیره انتظار اینه از اون کسی که میتونه یک دختر را جهیزیه بده خانه شوهر بفرسته انتظار اینه از اون کسی که نه بنده خدا این امکان رو نداره یک نون سنگک گرفته نصفشو خودش میخوره نصفشو میده به دیگری از او این انتظاره فرمود اگر هم نمی تونی همین قدر که یک سنگی را از سر راه برداشتی این برات صدقه حساب میشه همینم نمی تونی یکی از اصحاب اینجوری بود می آمد بیرون صبح می گفت خدایا من که پولی ندارم به کسی

بدم کاری نمی تونم برای کسی بکنم خدایا هر کسی غیبت من کرده حق من به گردنش آمده من حلالش کردم این صدقه من باشه این صدقه منه یک صلواتی بفرستید امیدوارم به برکت خود آقا و مولامون علی بن موسی الرضا علیه السلام خدا را قسم میدم بحق علی بن موسی الرضا علیه السلام به گوینده و شنونده و همه مسئولینمون همه کسانی که می توانند گره گشایی کنند از کار مردم توفیق خدمت بیشتر عنایت بفرماید.

خدایا ما را مدیون مردم مامیران خدایا توفیق حل مشکلات مردم به دست ما به ما عنایت بفرما ما در مکتبی بار آمدم که حتی دشمنشان آب دادند کی آقا و مولامون حضرت اباعبدالله الحسین بین راه کربلا رسیدند به یک منزل فرمود امشب آب زیادتر بردارید فردا مهمان داریم اصحاب آب زیادتر برداشتند کیه مهمانان اصحاب نمی دونند اما اباعبدالله می داند فرمود فردا مهمان داریم فردا یک وقت دیدند لشکر حر رسید ده هزار نفر آمدند برای هزار نفر یا ده هزار نفر آمدند برای هزار نفر آمدند برای امام حسین اینا مهمونای امامن حسین بودند فرمود مهمان داریم از دور که می آمدند فرمود اینا تشنه اند بهشون آب بدید همه اینهارو آب دادند یک کسی از لشکر حر میگه من دیر رسیدم از همه عقب تر مونده بودم وقتی که آمدم همه آب خورده بودند امام حسین متوجه من بود خود امام حسین آمد فرمود این شتر آب داره اینو بنشون آب بخور من می خواستم بنشونم نمی توانستم بلد نبودم خود آقا اباعبدالله آمد شتر را نشانده مشک را باز کرد سر مشک را بگرداند شروع کرد تو دست های من آب ریختن آب بخوریم سیراب که شدم فرمود اسب هم تشنه است ظرف گذاشت برای اسب هم آب ریخت اسب هم آب خورد من فقط یک جمله بگم یا اباعبدالله خوب پذیرایی کردی اونا هم خوب تلافی کردند دلتون آمده است بریم کربلا ان شاء الله فیض هم آماده است فیض هم می بریم السلام علیک یا اباعبدالله

### • ذکر مصیبت

آقا جان گمان من اینه سلامی که از کنار قبر امام رضا به کربلا برسه با بقیه سلام ما فرق می کنه فرشته های الهی میگن این سلام را مهمان های امام رضا فرستادند پس همه با کمال ادب دست هارو رو سینه بگذاریم السلام علی الحسین....

اینایی که با دست امام حسین سیراب شدند آب را به روی اباعبدالله بستند صدای العطش بچه هاشو شنیدند اما دلشون به رحم نیامد چرا یکجا یک نفر دلش به رحم آمد نافع بن هلال میگه وقتی که حضرت اباعبدالله تو گودی قتلگاه افتاده بود دل من به رحم آمد رفتم

یک ظرفی را آب کردم پیام به امام حسین علیه السلام آب بدم همین که آمدم وارد بشم دیدم شمر بیرون میاد صدا زد نافع بن هلال کجا میری گفتم میرم یک آبی به لب های تشنه امام حسین برسانم یک اشاره کرد گفت برگرد من حسین را سیراب کردم اشاره کرد دیدم سر بریده اباعبدالله یک جمله و از همه التماس دعا میگه دیدم بدن شمر می لرزه گفتم تو که جنایتت را انجام دادی چرا می لرزی گفت وقتی که داشتم سر را جدا می کردم یک صدایی می آمد هی فریاد می زد ولدی حسین حسین پسرم غریبم مظلوم مادر حسین... **صلى الله عليكم يا أهل بيت النبوة**

بخش تهیه محتوای سایت تخصصی منبرها